

refute (v)

bloom (n,v)

expertise (n)

illuminate (v)

heritage (n)

encounter (n,v)

accelerate (n,v)

exhibit (v)

summit (n)

mediocre (adj)

drawback (n)

challenge (n,v)

foster (v)

enhance (v)

credible (adj)

رد کردن - نادرستی چیزی را ثابت کردن

شکوفایی - شادابی - شکوفه کردن

تخصص - مهارت - نظر کارشناس

روشن کردن - توضیح دادن - چراغانی کردن

میراث - یادگار

مواجه شدن - ملاقات اتفاقی - درگیری

سرعت بخشیدن - کاتالیزور - شتاب دادن

نمایش دادن - عرضه کردن - نشان دادن

اوج - قله - نشست سران

متوسط - معمولی - پیش پا افتاده

نقطه ضعف - ایراد - اشکال - عیب

چالش - مخالفت کردن - به مبارزه دعوت کردن

رواج دادن - پرورش دادن - بزرگ کردن (بچه)

بیشتر کردن - زیاد کردن - افزایش دادن

معتبر - باور کردنی - قابل قبول

chaos (n)
 reluctance (adj)
 controversial (adj)
 extant (adj)
 scrutinize (v)
 verify (v)
 zenith (n)
 lethal (adj)
 cogent (adj)
 culpable (adj)
 discern (v)
 luxuriant (adj)
 antipathy (n)
 recharge (v)
 spontaneous (adj)

آشوب - هرج و مرج - نا آرامی - اغتشاش
 بی میلی - اکراه - ناراضی
 بحث برانگیز - مورد اختلاف - جنجالی
 موجود - جاری - نافذ
 با دقت کامل نگرستن - موشکافانه نگرستن
 تایید کردن - تحقیق کردن - اثبات کردن
 اوج - شکوفایی - سمت الرأس
 مرگ آفرین - مهلک - مرگبار - کشنده
 متقاعد کننده - مجاب کننده - مستدل
 مقصر - مجرم - گناهکار - ناشی از قصور
 تشخیص دادن - پی بردن - فهمیدن
 انبوه - لوکس - مجلل - حاصلخیز - فراوان
 بیزاری - انزجار - تنفر
 دوباره پر کردن - شارژ مجدد
 خود به خود - خود جوش

inflexible (adj)
rudimentary (adj)
feign (v)
endeavor (v,n)
synchronize (adj)
chronicle (n,v)
conviction (n)
abate (v)
vanish (v)
dissent (n,v)
motivate (v)
trivial (adj)
hyperbole (n)
hyperbola (n)
initial (n,v,adj)

خشک - سخت - استوار - قانشدنی
مختصر - ابتدایی - اساسی - رشد نیافته
تظاهر کردن به - سرهم کردن - بافتن
سعی کردن - کوشیدن - تلاش کردن - تلاش
همزمان - هماهنگ
رویدادشمار - نقل کردن - ثبت کردن
محکومیت - اعتقاد - ایمان - سندیت
فروکش کردن - کاهش یافتن - برطرف کردن
ناپدید شدن - نابود شدن - از بین رفتن
مخالفت - مخالف بودن - پیروی نکردن
برانگیزاندن - به شوق آوردن - ترغیب کردن
جزئی - ناچیز - معمولی - سطحی
اغراق - گزاف - لاف (ادبیات)
هندلولی (شکل هندسی)
نخستین - اولین - مقدماتی

haphazard (adj)

fiasco (n)

enigma (n)

precede (v)

proceed (v)

dexterity (n)

arbitrary (adj)

excessive (adj)

devote (v)

convey (v)

condemn (v)

dispersal (n)

multiform (adj)

abet (v)

confirm (v)

بی نظم - درهم - اتفاقی - تصادفی

شکست کامل - آبروریزی - افتضاح

معما - راز - سخن پیچیده

مقدم بودن بر - جلوتر واقع شدن

ادامه دادن - پیش رفتن - شروع کردن

مهارت - چیره دستی - چالاکی

دلخواه - اختیاری - اتفاقی - خودسرانه

بیش از حد - افراطی - زیادی

وقف چیزی کردن - صرف چیزی کردن

منتقل کردن - رساندن - فهماندن - فرستادن

محکوم کردن - سرزنش کردن - لو دادن

پخش - انتشار - پراکندگی

چند گونه - چند شکل - چند ریخت

شریک جرم کسی شدن - برانگیختن کسی

تایید کردن - تصدیق کردن - تصویب کردن

jeopardize (v)

به خطر انداختن - به مخاطره انداختن

impede (v)

جلوگیری کردن از - مانع (کسی / چیزی) شدن

opulence (n)

ثروت - رفاه - ناز و نعمت - شکوه - جلال

sturdy (adj)

زورمند - مقاوم - خوش هیکل - مصمم

immense (adj)

بسیار بزرگ - عظیم - بی اندازه

obese (adj)

بسیار چاق - فربه

emancipate (v)

آزاد کردن - نجات دادن - رهایی بخشیدن

ritual (adj,n)

مناسک - آئین - آداب - عبادی - مراسم

confront (v)

رو در رو شدن - رو به رو کردن - مقابله با

extinguish (v)

خاموش کردن - پاک کردن - نابود کردن

exclude (v)

مانع شدن از - جلوگیری کردن - نادیده گرفتن

glean (v)

ذره ذره جمع کردن - برداشت کردن

extravagant (adj)

ولخرج - اسراف کار - افراطی - پرخرج

alleviate (v)

تسکین دادن - آرام کردن - کاهش دادن

recede (v)

عقب رفتن - فروکش کردن - کاهش یافتن

falter (v)

به تردید افتادن - به لکنت افتادن - خراب شدن

perish (v)

هلاک شدن - تلف شدن - فاسد شدن - پوسیدن

voluble (adj)

حرّاف - پر حرف - وراج

elaborate (adj, v)

توضیح دادن - ماهرانه - دقیق - مفصل

intervention (v)

مداخله - دخالت

amalgam (n)

آلیاژ جیوه - مخلوط - ترکیب - معجون

ratify (v)

تصویب کردن - تصدیق کردن - تایید کردن

abridge (v)

خلاصه کردن - کوتاه کردن - محروم کردن

sarcasm (n)

طعنه - گوشه و کنایه - تمسخر - طنز

advent (n)

ظهور - پیدایش - ورود

reverie (n)

عالم خیال - عالم رویا - خیال پردازی

implicit (adj)

ضمنی - تلویحی - مطلق - بی چون و چرا

unprecedented (adj)

بی سابقه - بی نظیر - فوق العاده

remorse (n)

پشیمانی - ندامت

deviate (v)

منحرف شدن - دور شدن - دوری جستن

castigate (v)

تنبیه کردن - ادب کردن - سرزنش کردن

resign (v)

استعفا کردن از - چشم پوشیدن از

equivocal (adj)

دو پهلو - گنگ - مبهم - مشکوک - مرموز

harden (v)

سخت کردن - مقاوم شدن - خشن تر کردن

aggressive (adj)

پرخاشگر - تهاجمی - متجاوز - بی پروا

indifference (n)

بی اعتنائی - بی توجهی - بی تفاوتی

chagrin (n,v)

تاسف - تأثر - آزرده گی - مأیوس کردن

prosperous (adj)

موفق - مرفه - ثروتمند - پر رونق

elitism (n)

نخبه گرایی - نخبه سالاری

craven (adj)

ترسو - بی شهامت - بزدل - از روی ترس

efface (v)

پاک کردن - محو کردن - فراموشی کردن

blunder (v,n)

دست گل به آب دادن - گاف - اشتباه فاحش

innate (adj)

ذاتی - فطری - سرشتی

jeopardy (n)

خطر - مخاطره

magnitude (n)

بزرگی - اندازه - اهمیت - شدت (زمین لرزه)

linger (v)

معطل کردن - طول کشیدن - کش دادن

mingle (v)

مخلوط کردن - ترکیب کردن - گرم گرفتن (بادیگران)

exceed (v)

فرا تر رفتن از - بیشتر بودن - تخطی کردن

painstaking (adj)

دقیق - موشکافانه - پر زحمت

legend (n)

افسانه - اسطوره - شرح (نقشه)

recollect (v)

به یاد آوردن - به یاد داشتن

pretext (n)

بهانه - عذر - دستاویز

Ingenious (adj)

مبتکر - خلاق - ابتکاری - ماهرانه

recast (v)

تغییر دادن - دگرگون کردن - بازنویسی کردن

adverse (adj)

نامطلوب - نامساعد - مخالف - مقابل

lucidity (n)

روشنی - وضوح - سلامت - شفافیت

triumph (v,n)

پیروزی - موفقیت - شادی کردن (بخاطر پیروزی)

spectacle (n)

منظره - مضحکه - (به صورت جمع) عینک

sluggish (adj)

کند - کم تحرک - بی حال - تنبل

cordial (n,adj)

دوستانه - صمیمانه - عمیق - شدید - گرم

timid (adj)

ترسو - بزدل - محتاط - محجوب

distinct (adj)

واضح - روشن - آشکار - متفاوت - بی تردید

reckless (adj)

بی احتیاط - بی ملاحظه - بی فکر - بی پروا

recount (v)

نقل کردن - شرح دادن - دوباره شمردن

accumulate (v)

جمع کردن - انباشتن - جمع شدن

assert (v)

اظهار داشتن - تاکید کردن - دفاع کردن

undermine (v)

تضعیف کردن - زیر پای (کسی را) خالی کردن

collusion (n)

تبانی - توطئه - همدستی

frugal (adj)

صرفه جو - مقتصد - کم (غذا) - مختصر

bizarre (adj)

عجیب و غریب - باور نگر دنی

astute (adj)

congenial (adj)

indefatigable (adj)

amenities (n)

appliances (n)

derive (v)

affable (adj)

sarcastic (adj)

superficial (adj)

hedonist (n)

زرنگ - زیرکانه - زبل - هوشمندانه

مطلوب - دلخواه - موافق - هم دل - مطبوع

خستگی ناپذیر - بی وقفه - نستوه

وسایل آسایش - امکانات رفاهی - تسهیلات

ابزار - وسیله - کاربرد - ماشین آتش نشانی

به دست آوردن - مشتق شدن - حاصل شدن

مهربان - با محبت - خوش برخورد - دوستانه

کنایه دار - طعنه آمیز - نیشدار - طعنه زن

سطحی - ظاهری - جزئی - مساحتی

لذتگرا - لذت جو

savant (n)

دانشور - عالم - دانا

benefactor (n)

آدم نیکوکار - خیر - حامی - بانی خیر

peculiar (adj)

خاص - ویژه - عجیب و غریب - غیر عادی

specious (adj)

ظاهر فریب - غلط انداز - درست نما

thorough (adj)

کامل - تمام عیار - دقیق

prevail (v)

پیروز شدن - غلبه کردن - حاکم بودن

pungent (adj)

گزنده - تلخ - نیشدار - انتقادی - (مزه) تند

plausible (adj)

موجه - قابل قبول - معقول - (دروغگو) ماهر

refuge (n)

پناه - پناهگاه - در امان

remnant (n)

ته مانده - باقی مانده - بقیه - آثار

strive (v)

تلاش کردن - جنگیدن - مبارزه کردن

thrill (n,v)

هیجان زده کردن - لرزاندن - هیجان - ارتعاش

urbanity (n)

ادب - نزاکت - آداب دانی (زندگی شهری)

vicinity (n)

حول و حوش - اطراف - نزدیکی - مجاورت

fatigue (n,v)

خستگی - خسته کردن - از پا انداختن - بیگاری

endorse (v)

تایید کردن - پشت نویسی کردن - حمایت کردن

hinder (v)

مانع شدن - مزاحم شدن - سد راه شدن

postpone (v)

عقب انداختن - به تاخیر انداختن

seclude (v)

منزوی کردن - گوشه گیر کردن - خلوت کردن

indigent (adj)

تهی دست - مسکین - فقیر

magnanimous (adj)

بخشنده - سخاوتمند - بزرگوار - سخاوتمندانه

stigma (n)

لکه ننگ - ننگ - بدنامی - کالاه (گل)

urge (v,n)

اصرار کردن به - اشتیاق - تشویق کردن - میل

vacillate (v)

مردد بودن - دو دل بودن - نوسان داشتن

quake (n,v)

لرزیدن - لرزش - زمین لرزه

treacherous (adj)

خائن - ریاکار - غیر قابل اعتماد - خطرناک

prohibition (n)

منع - بازداری - تحریم - ممنوعیت

prosecution (n)

تعقیب - شکایت - شاکی - پیگیری - اجرا

embezzlement (n)

اختلاس - دزدی - پول به جیب زدن

nominal (adj)

ظاهری - ناچیز - اندک - صوری - اسمی

Tenable (adj)

قابل دفاع - پذیرفتنی - معقول - معتبر

unpretentious (adj)

ساده - خالی از تظاهر - فروتن - بی تکلف

assent (v,n)

موافقت - تایید - تصویب - قبول کردن - رضایت

devour (v)

بلعیدن - خوردن - (کاری را) با ولع انجام دادن

affront (n,v)

توهین کردن به - بی احترامی کردن - آبروریزی

inhibited (adj)

خجالتی - کم رو - معذب - ناراحت - فروخورده

conducive (adj)

سرچشمه - منشأ - مساعد - مناسب - منجر شونده

habitude (n)

خلق و خو - خصلت - راه و رسم - عادت

ambivalent (adj)

مردد - دو دل - ضد و نقیض - دو سویه

conciliation (n)

دلجویی - آشتی - میانجی گری - رفع اختلاف

speculate (v)

arouse (v)

ambiguity (n)

virtue (n)

euphemistic(adj)

notorious (adj)

enthusiastic (adj)

adept (n,adj)

artifact (n)

oversight (n)

تأمل کردن - حدس زدن - دست به قمار زدن

برانگیختن - تحریک کردن - به خشم آوردن

ابهام - تضاد - ناهمخوانی

فضیلت - مزیت - عفت - شرافت

مؤدبانه - محترمانه

بدنام - انگشت نما - معروف

پر شور و شوق - علاقه مند - مشتاق - پر حرارت

ماهر - ماهرانه - استادانه - آدم خبره

مصنوع - شیء دست ساز

غفلت - نظارت - سرپرستی - سهو

renown (n)

آوازه - شهرت

resent (v)

رنجیدن از - دلخور شدن از - متنفر شدن از

penchant (n)

علاقه - رغبت - میل وافر

rumour (n,v)

شایعه - شایع کردن - چو انداختن

uproarious(adj)

پرسر و صدا - قهقهه زنان - خنده آور - مضحک

sporadic (adj)

پراکنده - متفرق - گه‌گاهی - تک و توک

soothing (adj)

آرامش‌بخش - تسکین‌دهنده

rival (n,adj,v)

رقیب - حریف - رقابت کردن با - برابری کردن با

counterpart (n)

همتا - قرینه - نظیر - مکمل

salvage (n,v)

نجات - عملیات نجات - حفظ کردن

propel (v)

fallacious (adj)

altruism (n)

compromise (n,adj)

manipulate (v)

demonstrate (v)

verbose (adj)

lethargic (adj)

forego (v)

inhabit (v)

راندن - به پیش راندن - سوق دادن - کشاندن

گمراه کننده - فریبنده - اشتباه - سفسطه آمیز

گذشت - ایثار - از خود گذشتگی - بشر دوستی

توافق - سازش - مصالحه - حد وسط - بینابین

فریب دادن - گول زدن - تقلب کردن

اثبات کردن - ابراز کردن - تظاهرات کردن

لفاظ - روده دراز - پرچانه - طولانی

بی حال - کسل - افسرده کننده - خواب آلوده

صرف نظر کردن از - منصرف شدن از

ساکن شدن در - سکونت گزیدن در

aggravate (v)

بدتر کردن - وخیم کردن - عصبانی کردن

aroma (n)

بوی خوش - عطر - رنگ و بو

whim (n)

هوس - ویر - ناگهانی - هوی و هوسی

recognize (v)

شناختن - تشخیص دادن - قبول کردن

emulate (v)

تقلید کردن از - رقابت کردن با - پیروی کردن از

hail (n,v)

تگرگ - رگبار - بزرگ داشتن - گرمی داشتن

reject (v,n,adj)

کالای مرجوعی - رد کردن - دورانداختن

stubborn (adj)

یک دنده - لجباز - نافرمان - سرسخت - جدی

esteem (v,n)

احترام گذاشتن - ارج نهادن - ارزش قائل شدن

forestall (v)

پیشدستی کردن بر - سبقت گرفتن از - مانع شدن

penetrate (v)

شکافتن - سوراخ کردن - پی بردن به - فهمیدن

riddle (n,v)

معما - راز - غریب - سرند

peril (n,v)

خطر - مخاطره - به خطر انداختن

fragment (n,v)

تکه - جزء - قسمت - خرد شدن - متلاشی شدن

essential (adj,n)

ضروری - لازم - اساسی - مهم - فطری - ذاتی

fraudulent (adj)

جعلی - تقلبی - ساختگی - ریاکارانه

vulgar (adj)

زشت - بی نزاکت - بی ادب - عامیانه

exhilarate (v)

به وجد آوردن - مسرور کردن - به هیجان آوردن

hamper (v,n)

مانع شدن - جلوی چیزی را گرفتن - سب - زنبیل

perplex (v)

گیج کردن - سردرگم کردن - متحیر کردن

utilize (v)

counter (adj,v)

procure (v)

raise (v)

mediator (n)

apparatus (n)

reconcile (v)

endow (v)

validate (v)

superfluous (adj)

به کار بردن - استفاده کردن از - بهره بردن

مقابله کردن - حمله - شمارشگر - تلافی کردن

بدست آوردن - تهیه کردن - فراهم کردن

بالا بردن - افزایش دادن - افزایش حقوق

میانجی

دستگاه - ابزار - تجهیزات

آشتی دادن - خاتمه دادن - تطبیق دادن

بخشیدن - وقف کردن - هزینه چیزی را دادن

اعتبار بخشیدن به - اثبات کردن - تایید کردن

اضافی - غیر ضروری - زائد

hazardous (adj)

خطرناک - پرخطر - تصادفی

clandestine (adj)

سری - مخفیانه - زیر زمینی

deplete (v)

به اتمام رساندن - مصرف کردن - کاهش دادن

vindictive (adj)

کینه توز - انتقام جو - انتقام جویانه

illicit(adj)

غیرقانونی - غیر مجاز

squander(v)

تلف کردن - هدر دادن - از دست دادن

adept (n,adj)

استاد - آدم خبره - ماهر - ماهرانه

encompass (v)

درببر گرفتن - گنجاندن - محاصره کردن

quandary (n)

سردرگمی - سرگردانی - بلاتکلیفی

deficiency (n)

کمبود - نقص - نارسایی - کسری

voraciously (adv)

حریصانه - با ولع - به طور سیری ناپذیری

envision (v)

تصور کردن - مجسم کردن - پیش‌بینی کردن

diligent (adj)

سخت کوش - کوشا - مداوم - پیگیر

redundant (adj)

زیادی - مازاد بر احتیاج - بیکار - بی فایده

accuse(v)

متهم کردن - نسبت دادن - مقصر دانستن

convict(v,n)

محکوم کردن - مجرم شناختن - مجرم - زندانی

renovate (v)

نوسازی کردن - تعمیرات اساسی کردن

demolish (v)

خراب کردن - کوبیدن - ویران کردن - بلعیدن

prohibit (v)

قدغن کردن - منع کردن - ممنوع کردن

compensatory (adj)

کمبود - نقص - نارسایی - کسری

indifferent (adj)

fortify (v)

overlap (v,n)

compel (v)

merit (n,v)

realm (n)

industrious (adj)

indigenous (adj)

supplant (v)

thwart (v,n)

بی طرف - معمولی - بی اهمیت - بی توجه

تقویت کردن - مجهز کردن - قوت قلب دادن

تداخل داشتن - هم پوشانی کردن - تداخل

مجبور کردن - وادار کردن - تحمیل کردن

لیاقت داشتن - ارزش - استحقاق - شایسته

قلمرو - حوزه - حیطة - سرزمین

کوشا - سخت کوش - پرکار - جدی

بومی - ذاتی - فطری - طبیعی

جانشین (چیزی) کردن - به جای کسی نشانیدن

ایجاد مانع کردن برای - قایق نیمکتی پارویی

devotion (n)

conformity (n)

prevalence (n)

contentious (adj)

adjacent(adj)

varnish (n,v)

hurdle (n,v)

extent (n)

divergence (n)

unanimous (adj)

ایثار - از خود گذشتگی - فداکاری - محبت

پیروی - انطباق - سازگاری - دنباله روی

شیوع - رواج - عمومیت

ستیزه جو - جنجالی - اهل جر و بحث

جنب - نزدیک بهم - مجاور - همسایه

جلا - لاک ناخن - برق انداختن - جلا دادن

مانع - دشواری - مشکل - بر مشکلی چیره شدن

گسترده‌گی - وسعت - دامنه - طول - اندازه

فاصله - دوری - انحراف - تفاوت - واگرایی

هم رای - هم عقیده - یکپارچه - متفق

transfer (n,v)

انتقال دادن - انتقال - واگذار کردن - فروختن

transmute (v)

تبدیل کردن - تبدیل شدن

eventual (adj)

نهایی - بعدی - متعاقب

summit (n)

قله - اوج - نشست - اجلاس سران

flourish (v,n)

شکوفه شدن - رشد کردن - تکان - حرکت تند

accomplish (v)

انجام دادن - به نتیجه رساندن - به اتمام رساندن

evolve (v)

تکامل یافتن - تحول یافتن - ابداع کردن

hegemony (n)

رهبری - سلطه - برتری - سیطره

attribute (v,n)

نسبت دادن - صفت - ویژگی - ناشی دانستن از

convert (v,n)

تبدیل کردن - نو دین - تازه مذهب - تغییر دادن

ruthless (adj)

ظالم - بی رحم - سنگدل - ظالمانه

prevalent (adj)

رایج - متداول - شایع [بیماری]

prominent (adj)

برجسته - برآمده - مشهور - صاحب نام

profound (adj)

عمیق - ژرف - سنگین - فہیم - صادقانه

domination (n)

سلطه گری - تسلط - برتری - نفوذ - غلبه

toxic (adj)

سمی - مسموم کننده

monotonous (adj)

یکنواخت - خسته کننده - ملال آور

triangle (n)

مثلث - سه گوش - گروه سه نفره - گونیا

luxurious (adj)

مجلل - لوکس - شیک - پر هزینه - تجملی

warily (adv)

با احتیاط - با نگرانی - با حالت بیمناک

ascertain (v)

impure (adj)

periphery (n)

apex (n)

advent (n,adj)

acclaim (v,n)

judicious (adj)

discreet (adj)

brazen (adj)

assimilate (v)

تحقیق کردن - پرس و جو کردن - پی بردن

آلوده - کثیف - زشت - ناخالص - هرزه

حاشیه - کنار - اطراف

نوک - اوج - راس - نقطه‌ی اوج

ظهور - پیدایش - ورود - ظهور مجدد مسیح

تحسین - تشویق - ابراز احساسات - هورا

معقول - عاقلانه - حساب شده - عاقل - باشعور

با احتیاط - با ملاحظه - با فکر - محرمانه

گوش خراش - پرو - بی‌شرمانه - برنجی

جذب کردن - درک کردن - جذب شدن

mitigate (v)

تخفیف دادن - جبران کردن - تسکین دادن

candidly (adv)

رک و راست - صاف و پوس کنده - با صراحت

devastate (v)

ویران کردن - تخریب کردن - نابود کردن

legitimization (n)

مشروعیت - مشروعیت بخشیدن - قانونی ساختن

objective (n,adj)

واقعی - واقع بینانه - بی غرض - هدف

restoration (n)

استرداد - بازگشت - بهبود - ترمیم - اصلاح

property (n)

دارایی - اموال - مالکیت - خواص - وسائل

annihilate (v)

نابود کردن - منهدم ساختن - شکست دادن

disperse (v)

متفرق کردن - پخش شدن - تجزیه کردن

anomaly (n)

بی قاعدگی - بی نظمی - نابهنجاری - غیر عادی